

نگرشی بر تعدیل قرارداد

استاتیرا غلامی

هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.

نام نویسنده مسئول:

استاتیرا غلامی

چکیده

اگرچه اصل لزوم قراردادهای تقریباً در همه نظام‌های حقوقی کشورها مورد توجه قرار گرفته است، اما تغییر اوضاع و احوال بر قراردادهای استثنایی بر اصل الزامی بودن قراردادهاست و تعادل اولیه قرارداد را بر هم می‌ریزد. این تحولات زندگی و آن پیشرفت و پیچیدگی روابط حقوقی، ضرورت انعطاف‌پذیری طرفین قرارداد را ایجاد می‌کند تا بر اساس انصاف و منطق عدالت‌خواهانه، نظم عادلانه‌ای در روابط انسانی ایجاد نماید تا تکلیف سنگین و غیر قابل تحمل بر متعهد را در لوای قاعده «نفي عسر و حرج»، «لاضرر»، و «قاعده شروط» و در سایه دکترین «غبن حادث» و «رفتار خلاف حسن نیت» تعدیل نماید. تعدیل به سه گونه قراردادی، قانونی و قضایی تقسیم می‌شود: اگر در خود قرارداد بر دگرگونی شرایط اجرای تعهدات قراردادی پیش‌بینی شود، آنرا تعدیل قراردادی گویند و اگر قانون‌گذار در شرایطی در اثر دگرگونی‌های شرایط اقتصادی، عوض قرارداد را غیر منصفانه تشخیص دهد و خود مبادرت به تعیین میزان عوض کند، یا به یکی از طرفین حق دهد که میزان عوض را بالا برد یا تنزل دهد، را تعدیل قانونی گویند که این نوع تعدیل را قانونی گویند که در واقع تحدیدی بر حاکمیت اراده مشترک طرفین قرارداد به هنگام انشاء آن است. و اگر تغییر تعهدات یک یا دو طرف قرارداد در جهت ایجاد تناسب با شرایط حادث به وسیله مرجع قضایی باشد را تعدیل قضایی گویند.

در حقوق ایران و اکثریت کشورها، تعدیل قراردادی و تعدیل قانونی مورد پذیرش واقع شده‌است، اما تعدیل قضایی در حقوق ایران به علت تفسیر اراده طرفین یا مقررات قانونی به‌وسیله دادرسی نهاییه به دو تعدیل قراردادی یا قانونی بازگشت می‌کند. از این‌رو نباید آنرا گونه‌سومی از تعدیل به حساب آورد.

واژگان کلیدی: تعدیل قراردادی، تعدیل قانونی، تعدیل قضایی، قاعده نفي عسر و حرج، قاعده لاضرر، قاعده شروط، غبن حارث.

مقدمه

اصل حاکمیت اراده به متعاقدين اجازه دخالت اراده جهت عملی ساختن مقاصد دلخواه با پیش بینی شرایط و اوضاع و احوال زمان انعقاد، اقتصاد، سود، زیان، شرایط متعارف و سایر عوامل مؤثر را فراهم می‌آورد و لازمه وفای به عهد این است که طرفین وفای به عهد نمایند و به بهانه تغییر اوضاع و احوال از این امر مهم فروگذاری نکنند؛ مگر شرایط موجود در زمان انعقاد قرارداد، دچار تغییرات بنیادی شود. اما اگر طرفین از تفویض و رسالت قانون‌گذاری خویش بکاهند یا سکوت نمایند، قانون‌گذار موظف است عقد را از انحراف برهاند و با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی، بازبینی در مفاد قرارداد فردی را ضروری بداند تا مانع سوء استفاده برخی متعاقدين و تحمیل خسران بر طرف دیگر قرارداد شود. اما اگر طرفین قرارداد و قانون‌گذار راهی نگشوده باشن، دادرسی با استناد به قواعد مورد قبول نظام حقوقی و قواعد و اصول فقهی و تفسیر اراده طرفین، لقدام به تجدید نظر در مفاد عقد می‌کند تا اجرای عدالت و انصاف را هموار سازد؛ کمالینکه بازگشت تعدیل قضایی به یکی از دو تعدیل قراردادی یا قانونی است.

در فرهنگ عدالت‌خواهانه اسلام نیز تمهیداتی مثل عسر و حرج، نفوذ به‌سزایی در اندیشه‌های معاملاتی دارد که به‌موجب آن هر مشقتی که تحمل‌ناپذیر از اجرای احکام نخستین است را قابل تعدیل می‌کند و مانند قاعده لاضرر، حکم زیان‌بار را برداشته و حکم ثانوی را جایگزین می‌نماید.

مفهوم تعدیل

«تعدیل» در لغت به معنای برابر ساختن، تقسیم کردن از روی عدالت و کاستن از شدت و حدت چیزی یا عملی است (فرهنگ فارسی معین) و در اصطلاح به معنای اصلاح قرارداد پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض یا معوض است. این تغییر، کاستن یا افزودن در مقدار آن دو را نیز شامل می‌گردد که یا مستند توافق طرفین است یا مستند به قانون. (ابن منظور، ۱۹۸۸، ۱۵، ۴۷۳). منظور از تعدیل قرارداد این است که هرگاه در اثر حوادث مختلفی از قبیل جنگ، تغییر در سیاست‌های اقتصادی، تحولات سیاسی داخلی و خارجی یا هر علت خارجی دیگری، بحران اقتصادی شدیدی روی دهد و در نتیجه آن، اوضاع و احوال و شرایط زمان قرارداد به‌طور اساسی تغییر کند، و توازن مالی قرارداد به‌شدت بر هم بخورد، طرفین قرارداد، قانون و یا دادگاه در مفاد قرارداد دخل و تصرف کنند و شروط قراردادی را تغییر دهند و آن را با شرایط جدید تطبیق دهند (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۳ و ۸۷). در قراردادهایی که اجرای آن در بستر زمان انجام می‌شود (قراردادهای مستمر) ممکن است تحولات اقتصادی ناشی از بحران‌ها و حوادث و مسائل سیاسی و اجتماعی، اجرای قرارداد را با هزینه‌های سنگین‌تر و شرایطی سخت‌تر از آنچه در زمان قرارداد حاکم بوده است، روبرو سازد که این دگرگونی‌ها به هنگام انشای قرارداد به‌وسیله متعهد قابل پیش‌بینی بوده است. اجرای تعهدات قراردادی نسبت به متعهد الزامی است؛ اما اگر این دگرگونی‌ها به هنگام عقد قرارداد، برای متعهد قابل پیش‌بینی نباشد، تبدیل قرارداد راهی است که اجرای قرارداد را از این شرایط بن‌بست می‌رهاند. (شهیدی، ۱۳۹۲، ۳۸)

انواع تعدیل

تعدیل به سه گونه قراردادی، قانونی و قضایی تقسیم می‌شود.

تعدیل قراردادی، تعدیلی است که در خود قرارداد برای دگرگونی شرایط اجرای تعهدات قراردادی پیش‌بینی می‌شود، بنابراین متعاقدين که در زمان تنظیم قرارداد به اوضاع و احوال متغیر و نوسانات قیمت و نیز احتمال وقوع بحران اقتصادی، آگاهی داشته باشند، از همان ابتدا به تنظیم شروطی می‌اندیشند که در صورت بروز چنین حوادثی، با کاستن از میزان تعهد و با افزایش مه به ازای تعدیل بردازند (بیگدلی، ۱۳۸۶، ۲۶). تعدیل قانونی، در صورتی محقق می‌شود که قانون‌گذار در شرایطی در اثر دگرگونی‌های شرایط اقتصادی، عوض قرارداد را غیر منصفانه تشخیص دهد و خود مستقیماً مبادرت به تعیین میزان عوض کند، یا به یکی از طرفین حق دهد که میزان عوض را بالا ببرد یا تنزل دهد. این تعدیل در واقع تحدیدی بر حاکمیت اراده مشترک طرفین قرارداد، به هنگام انشای عقد است. شاهد مثال آن، کاهش اجاره بهای خانه‌های استیجاری مصوب آبان ۱۳۵۸ شورای انقلاب است که مقرر نمود از تاریخ اول آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی، ۲۰٪ تقلیل داده شود.

تعدیل قضایی، تغییر تعهدات یک یا دو طرف قرارداد در جهت ایجاد تناسب با شرایط حارث به‌وسیله مرجع قضایی است. این نوع تعدیل نه در سیستم حقوقی کشور و نه در سایر سیستم‌های حقوق نوشته، جایی برای خود باز نکرده است؛ چون قاضی نمی‌تواند در برابر قانون و اراده طرفین قرارداد، مستقلاً عوضین قرارداد و خصوصیات آن را تغییر دهد. پس منظور از تعدیل قضایی، در حقیقت تعدیل قرارداد بر اساس تفسیر اراده طرفین یا مقررات قانونی به وسیله دادرسی است که در نهایت، بازگشت آن به یکی از دو تعدیل قراردادی یا قانونی است. (شهیدی، ۱۳۹۳، ۳۶)

انواع تعدیل قراردادی

تعدیل قراردادی به دو صورت ممکن است انجام گیرد:

۱- تعدیل در زمان انعقاد قرارداد

۲- تعدیل در زمان اجرای قرارداد

تعدیل در زمان انعقاد قرارداد (شروط تعدیل کننده)، جایی است که طرفین ضمن قرارداد و در هنگام انعقاد آن، صریحاً یا ضمناً مقرر می‌کنند؛ هرگاه رویدادی ناگهانی و غیرمنتظره، تعادل قراردادی را بر هم بزند و قلمرو آنرا از اساس دگرگون کند، طرفی که از این دگرگونی متضرر می‌شود حق دارد برای ایجاد موازنه بین شروط قرارداد و وضع جدید به تعدیل قرارداد تمسک جوید (شفائی، ۱۳۷۶، ۱۵۱). شروط تعدیل کننده در زمان تشکیل قرارداد ممکن است به دو گونه کلی مورد پیش‌بینی قرار گیرد:

یک) تعدیل به صورت اتوماتیک: یعنی وضعیتی که طرفین قرارداد به راهکاری توسل می‌جویند که در صورت بروز مشکل و ایجاد نابرابری در تعهدات، عقد به‌طور خودکار با وضعیت اقتصادی خارج از خود منطبق شود. در تعدیل به صورت اتوماتیک، گاه مکانیزم عقد به‌گونه‌ای است که دخالت هیچ شخصی جهت تعدیل قرارداد لازم نیست و گاه علی‌رغم نیاز به توافق اراده مجدد متعاقبین، دخالت یکی از طرفین با ثالث را می‌طلبد. شرط تغییر خودکار که به آن «شرط شاخص» نیز می‌گویند با هدف تغییر تعهد قراردادی، مخصوصاً تعهد نسبت به مقادیری وجه نقد، بر اساس تغییرات قیمت یک کالای معین با یک سرویس مشخص یا سطح عمومی قیمت‌ها، صورت می‌گیرد (بیگدلی، ۱۳۸۶، ۲۶۱) که تحت عنوان تعدیل بی‌واسطه و تعدیل باواسطه مورد بحث قرار می‌گیرد.

شرط تعدیل خودکار بیواسطه

بند اول) شرط پرداخت طلا = در شرایطی که ارزش پول دارای نوسان است و اکثر مواقع کاهش پیدا می‌کند، طلا به‌عنوان معیار جایگزین آن اهمیت دارد، چون طلا دارای ارزشی ماهوی است و دارای مقبولیت فراگیر است و معاوضه آن، آسان است.
بند دوم) شرط پرداخت پول خارجی = گاهی به جهت عدم ثبات پول داخل و نوسان ارزش آن، طرفین قرارداد به جهت جلوگیری از ورود خسارت احتمالی، واحد پول خارجی را به‌عنوان معیار پرداخت دین انتخاب می‌نمایند که متعهد مکلف به مبلغ معینی ارز یا معادل ارزش آن می‌شود.

بند سوم) شرط پرداخت بر مبنای شاخص‌های دیگر = گاهی طرفین قرارداد، ارزیابی میزان تعهدات نقدی خود را به ارزش کالا، خدمات یا معیار دیگری واگذار می‌نمایند. مرجعی که تغییرات قیمتی آن تابع بازار صورت می‌پذیرد، مثلاً کارخانه تولید کننده ماشین آلات صنعتی که ماده اولیه آن فولاد می‌باشد ممکن است قیمت تمام‌شده کالا را حاصل ضرب قیمت روز فولاد در بازار بورس فلزات در ضرب خاصی قرار دهد (بیگدلی، ۱۳۸۶، ۲۶۸).

بند چهارم) شرط تعدیل معلق بر حوادث = در این شرط بر خلاف شروط قبلی که جهت جلوگیری از کاهش ارزش پول مورد پیش‌بینی قرار می‌گرفتند، آنچه برای طرفین قرارداد مهم است وجود یا عدم وجود وضعیتی خاص است؛ به‌گونه‌ای که در صورت تغییر در وضعیت مورد نظر، بازبینی و تعدیل در مفاد عقد را ضروری می‌دانند. برای مثال در قرارداد حمل و نقل طولانی مدت که بین مؤسسه حمل و نقل و یک شرکت تولیدی منعقد می‌شود، ممکن است شرطی گنجانده شود که بر اساس آن، هرگاه راه زمینی اصلی جهت حمل کالا به هر علتی مسدود شود، به‌گونه‌ای که متصدی حمل و نقل مجبور به انتقال کالاها از راه طولانی‌تری باشد، نرخ کرایه حمل ۲۰٪ افزایش می‌یابد.

شرط تعدیل خودکار با واسطه

این تعدیل با توافق طرفین معامله، توسط شخص ثالث یا یکی از طرفین که با انتخاب طرفین معین شده است، صورت می‌گیرد؛ مثلاً در قرارداد خرید طولانی مدت محصولات تولیدی یک کارخانه، خریدار بپذیرد که در صورت حدوث اوضاع و احوالی که باعث گران‌تر شدن هزینه‌های تولید شده، فروشنده بتواند قیمت محصولات تولید را با افزایش نرخ مؤثر در تولید، تغییر دهد (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ۵۳۰).
تعدیل خودکار با واسطه به انتخاب یکی از طرفین، در حقوق فرانسه اختیار تعیین مقدار تعهد به یکی از طرفین عقد، قرارداد را باطل می‌کند (Faber, Rs, 1985, 17) و در حقوق ایران نیز هرگاه طرفین عقد یکی را از میان خود انتخاب و پیشاپیش به او اختیار دهند که در شرایط خاصی بتواند تعهدات قراردادی هدف عادلانه ساختن آن مورد جرح و تعدیل قرار دهند، در این صورت تردیدی در مجهول شدن ثمن و بطلان شرط وجود ندارد. سپردن سرنوشت عقد به دست شخص ثالث صحیح است و تنها اشکال مجهول بودن عوضین در نتیجه غرری بودن آن است (کاتوزیان، ج ۲، ۱۳۹۶، ۳۹۷).

برخی فقها معتقدند که بموجب قاعده غرور در معامله می‌شود و تأکید بر ضرورت رفع هر نوع غرر از عوضین را دارند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۰۵). برخی دیگر از فقها شروطی همچون ارجاع ثمن به ارزیاب یا رویه معمول را صحیح دانسته‌اند (خوئی، ۱۴۶۶، ۲۴۶) و برخی دیگر از فقها به وجود شرایط لازم صحت عقد در شروط ضمن آن نیز تأکید کرده‌اند (شیخ انصاری، ۱۴۱۴، ۲۸۲). به نظر می‌آید هیچ‌یک از نظریات مختلف مذکور بطور مطلق قابل پذیرش نیست. هرگاه شرط تعدیل به گونه‌ای باشد که علی‌رغم اختیار ثالث در جرح و تعدیل و تعهدات، مبنای ضایقه‌مند و روشنی جهت کم یا زیاد کردن تعهدات قراردادی داشته باشند نه اینکه سلیقه‌ای بخواهند نسبت به کاهش یا افزایش تعهدات اقدام نمایند. بر این مبنا نظر کارشناسی مبتنی بر قانون خاص که برای طرفین معلوم و قابل احترام باشد، قابل پذیرش است:

(دو) شرط تعدیل کننده غیر خودکار = در تعدیل غیر خودکار، به هنگام اجرای قرارداد، دامنه تعدیل و کم و کیف آن به وسیله متعاقدين یا ثالث پیش‌بینی می‌گردد، اما اجرای آن منوط به الحاق طرفین به شرط تعدیل است و طرفین بدون پیش‌بینی، موظف به مذاکره جهت رسیدن به شرایط عادلانه می‌گردند که تعدیل غیر خودکار نیز دو نوع است:

(الف) تعدیل منوط به الحاق طرفین = این نوع تعدیل باید قبلاً محتوای آن توسط طرفین تعیین شده باشد و متعاقدين محتوای تعدیل را مشخص نموده‌اند و تا میزان معینی، تعدیل را پیش‌بینی کرده‌اند؛ مثلاً خریدار یک ماشین چاپ، اختیار انتخاب بین گارانتی دو ساله یا کارکرد صد هزار عدد چاپ را داشته باشد. یا اینکه محتوای تعدیل توسط شخص ثالث تعیین شود که شخص ثالث موظف است در صورت بی‌نظمی و عدم تعادل قراردادی، توازن مورد توقع را پیشنهاد کند و اگر پیشنهاد مذکور مورد توافق طرفین واقع شد، تغییر در مفاد اولیه آن میسر می‌شود.

(ب) تعدیل منوط به مذاکره مجدد طرفین^۱: این نظریه ابتدا در حقوق بین‌الملل و جهت رفع مشکلات ناشی از الزام‌آور بودن قراردادهایی با اجرای طولانی مدت، ظاهر شد. سپس در حقوق داخل کشورها نیز شیوع پیدا کرد که البته اصطلاح هاردشیپ در حقوق فرانسه وجود ندارد و در نوشته‌های فرانسویان تعبیری هم‌چون در شرط بازبینی به کار رفته است (Faber (R), 1985, 3).

تعدیل در حین اجرای قرارداد (قرارداد اطلاق)

متعاقدين در زمان انعقاد قرارداد، تعدیل آن را پیش‌بینی نمی‌کنند، بلکه پس از مدتی و در حین اجرای عقد یا قرارداد با وضعیت نامتعارف و نامتعادل روبرو میشوند. در این وضعیت ممکن است طرفین، بر اساس حسن نیت و درک متقابل، اقدام به بازبینی در عقد نمایند. مثلاً کارخانه کشتی‌سازی متعهد به تحویل ماهانه ۵ فروند کشتی در قبال دریافت مبلغی معین در مقابل هر دستگاه نموده است. بعد از گذشت مدتی، به علت تحریم اقتصادی کشور و جلوگیری از ورود قطعات مورد نیاز، همچنین افزایش ناگهانی دستمزد و خدمات و مواد خام، انجام این تعهد برای کارخانه بسیار مشکل میشود که در این صورت طرفین قرارداد میتوانند با توافق یکدیگر یا مبلغ پرداختی خریدار را افزایش دهند و یا توافق به تحویل دو فروند کشتی در ماه کنند. علی‌ای حال تعدیل قرارداد در حین اجرا ممکن است به صورت اقاله یا آزاد واقع گردد.

گفتار اول - تعدیل به صورت آزاد

زمانی که متعاقدين با توافق، بخش مساوی یا نامساوی از تعهدات متقابل را بدون استفاده از قالب «اقاله» تعدیل نمایند. این تعدیل به صورت آزاد است، عبارتی همان اراده که با توافق یکدیگر قراردادهایی در حد قانون را منعقد نموده است، همان اراده میتواند آن را اطلاق یا تکمیل یا فسخ نماید.

گفتار دوم - تعدیل در قالب اقاله

اقاله، تراضی طرفین عقد بر انحلال و زوال آثار آن در آینده است. تعدیل به وسیله اقاله ممکن است به دو طریق روی دهد، اول اینکه طرفین، موضوع عقد را بدون کاستن یا افزودن بر عوض و معوض بطور مساوی مورد تغییر قرار دهند؛ یعنی بخشی از معامله را اقاله نمایند و دوم اینکه ضمن اقاله بخشی از قرارداد، افزایش یا کاهش عوضین را نیز شرط نمایند (کاتوزیان، ۱۳۹۶، ۸۴۸).

تعدیل قرارداد و تبدیل تعهد:

تبدیل تعهد یعنی تعهد و قراردادی که در گذشته بوده اما ساقط شده و تعهدی جدید جایگزین آن شده است (عدل، ۱۳۹۴، ۳۶۶)، اما تعدیل قرارداد به معنای اصلاح قرارداد پیشین و تغییر در شرایط و اوصاف عوض یا معوض است (مصباح‌المنیر، ۱، ۳۹۶)

¹ Hard ship

تبدیل تعهد

اول - تبدیل مورد تعهد = مانند آن که کسی به کسی مقداری گندم مقروض می‌باشد و طرفین قرار بگذارند که مدیون به عوض گندم، ملغی پول مقروض باشد.

دوم - تبدیل سبب تعهد = مانند آن که کسی مبلغی را بابت مال الاجاره به مالک بدهکار است و دو طرف توافق کنند که آن مبلغ را مستاجر به عنوان قرض نگه دارد یعنی عقد اجاره تبدیل به عقد قرض گردد.

تفاوت بنیادین تبدیل تعهد با تعدیل قرارداد در شکل موضوعی این است که در تبدیل تعهد، موضوع آن، تغییر جوهری و ذاتی می‌یابد و قرارداد نخستین نابود و تعهدی تازه پیدا می‌شود در حالی که تغییر حادث در پی تعدیل؛ در حریم جوهر و ذات موضوع راه نمی‌یابد. تبدیل تعهد در قانون دوم، مطابقت با تعدیل قرار داشته است، زیرا در آن قانون موضوع تعهد تغییر نمی‌یافت، بلکه شکل آن تغییر می‌کرد ... گاه این نتیجه با تغییر به صورت یک عنصر غیر جوهری مانند اضافه نمودن مدت یا وثیقه سپاری و ... رخ می‌داده است؛ بنابراین تبدیل تعهد، در حقوق روم بیشتر شباهت به دستکاری در شکل و ظاهر تعهد داشت تا تغییر موضوع و طبیعت آن، اما در قانون جدید، در تبدیل تعهد، در موضوع تعهد تغییر جوهری راه می‌یابد تا آن جا که تعهدی جدید جایگزین سابق می‌شود.

(پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، <http://hawaz.net/fa/article/view/88333>، پژوهشی در تعدیل قرارداد)

تعذر مالی و تعدیل قراردادی

تعذر مالی در انجام قراردادها هنگامی مطرح می‌شود که اجرای قرارداد به سبب ناتوانی مالی متعهد ناشی از علل خارجی و غیر قابل انتساب به طرفین غیر ممکن می‌گردد. امروزه بسیاری از قراردادهایی که در جامعه بسته می‌شود به دلایل مختلف قابلیت اجرا ندارند و متاسفانه با وجود فراوانی آنان و مشکلات در روابط اقتصادی و اجتماعی قانونگذار راه حل مناسبی برای آن پیش‌بینی نکرده است و احکام صریحی در این خصوص ندارد، برای مثال؛ در قراردادهای پیمانکاری یا مشارکت مدنی در ساخت که طرفین بر احداث یک بنا توافق می‌کنند، پس از آغاز ساخت، به دلایلی کار رها می‌شود. مالک با این پندار که پس از گذشت چند صباحی به ملکی نو دست می‌یابد، تمام سرمایه خود را در اختیار طرف مقابل می‌گذارد، اما بعدها در می‌یابد به عللی که به هیچ یک از طرفین قرارداد مربوط نیست، امکان دستیابی به نتیجه مورد نظر امکان پذیر نیست (اسکویی، ۱۳۹۱، ۱۴).

در حقوق فرانسه نیز به جز تعذر اجرایی تعهد و در نتیجه معافیت از پرداخت جبران خسارت تحت عنوان علت خارجی بیان شده است. در ماده ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه چنین آمده است: «هرگاه در اثر قوه قاهره یا در نتیجه حادثه غیرمترقبه، متعهد نتواند به تعهد خود عمل کند یا اقدام به امر ممنوع کرده باشد، هیچ خسارتی محقق نمی‌شود. (Malaurie, 2016, 212)» مفهوم تعذر از مفهوم عدم اجرای تعهد محدودتر است و عدم اجرای تعهد اعم از تعذر است؛ چون ممکن است عدم اجرای تعهد با سوء نیت باشد و عمد متعهد متخلف صورت گیرد که در این صورت استناد به تعذر جایگاهی ندارد؛ در حالی که در تعذر، مسئله سوء نیت متعذر مطرح نیست، بلکه صرفاً انجام تعهد به علل خارجی امکان اجرا ندارد (لنگرودی، ۱۳۸۱، ش ۱۲۸۳). تعذر می‌تواند به خاطر عدم توانایی مالی اجرای قرارداد باشد یا می‌تواند به علت تعذر غیر مالی آنجا که پس از عقد و قبل از اجرای تعهد، موضوع تعهد تلف شود و اجرای قرارداد متعذر گردد باشد. (اسکویی، ۱۳۸۹، ۱۱). یا تعذر مالی به علت وضعیت متعهد یا خارج از آن باشد؛ مثل اینکه شرایط اقتصادی جامعه دچار نوسانات شدید گردد.

در حقوق فرانسه نیز ماده ۱۱۴۷: علت خارجی را از موجبات رهایی متعهد از جبران خسارت است و در ماده ۱۱۴۷ قانون مدنی فرانسه چنین آمده است که: در صورت اقتضا متعهد خواه به دلیل عدم اجرای تعهد، خواه به دلیل تأخیر در اجرا به پرداخت خسارت محکوم می‌شود، مشروط بر آنکه نتواند ثابت کند که عدم اجرا، ناشی از علت خارجی غیر منتسب به اوست. (سنهوری، ۱۹۵۸، جلد ۳، ۱۴۸). در حقوق هنگامی که متعهد به سبب تعذر مالی ناتوان از اجرای تعهد می‌گردد، طرف دیگر حق دارد در صورت عدم امکان الزام، با فسخ قرارداد آن چه را که واگذار کرده است، مسترد دارد. در حقوق ایران در صورت حدوث تعذر مالی به‌عنوان یکی از علل غیرممکن شدن اجرا، بحث انحلال اختیاری یا قهری قرارداد پیش می‌آید؛ اما اثر ثانوی تعذر می‌تواند علاوه بر نسخ، تعدیل قرارداد را به همراه داشته باشد که این تهدید ممکن است در طول یا عرض امکان فسخ آن فراهم شود. به‌طور معمول آنچه در موضوع تعدیل قرارداد مورد توجه قرار می‌گیرد، تغییرات فاحش و ناگهانی مالی و اثر آن در تراضی طرفین در قرارداد است. در شرایط روبه رو شدن با تعذر مالی، فسخ قرارداد راه حل ثانویه است که در اختیار متضرر قرار می‌گیرد تا از تعهد و قیدی که بقای آن بر ضرر اوست، رهایی یابد. این راه حل موقعی ظهور می‌یابد که اجرای قرارداد به هیچ طریقی ممکن نباشد، حال آنکه تعدیل قرارداد امکان اجرای آن را فراهم می‌سازد (اسکویی، ۱۳۹۱، ۹).

اگر اجرا از سوی متعهد دشوار شود، تمسک به قیاس اولویت است؛ فلذا اگر اجرای تعهدات ناشی از قرارداد به علت مشکلات مالی غیر ممکن گردد، اولین راه حل اختیار فسخ قرارداد است. پس به طریق اولی باید تعدیل قرارداد نیز مورد پذیرش قرار گیرد؛ چراکه تعدیل به خواست و مقصود مشترک طرفین سازگاری بیشتری دارد؛ زیرا با توجه به لزوم و اعتبار قرارداد می‌بایست تا حد امکان از انحلال قرارداد

پرهیز شود (بجنوردی، قواعد الفقهیه، ج ۵، ۲۶۶). براساس مفاد اصل ۱۶۷ قانون اساسی ایران نیز قاضی موظف است در موارد سکوت یا اجمال یا تعارض قوانین با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر حکم هر دعوا را صادر نماید. لذا دادگاه می‌تواند در مواقع بروز حوادث پیش‌بینی نشده و در نتیجه مشکلات مالی اجرای قرارداد، با تمسک به قواعد فقهی نفی عسر و حرج و لاضرر، الزام ناشی از قرارداد را برداشته و حکم تعدیل قرارداد دهد (محقق داماد، ۱۳۷۴، ۳۷).

استناد به قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» م‌تواند توجیه دیگری برای تغییر قرارداد از متعذر شده به سبب مشکلات مالی باشد؛ چون این قاعده مبتنی بر عقل است و در اصول فقه معنای این قاعده این است که جمع بین مدلول دو دلیل متعارض که متضمن عمل به هر دو دلیل است؛ به‌گونه‌ای که عرفاً و عقلاً پسندیده باشد (نراقی، عواید الایام، ۱۳۷۵، ۶۱). موضوع تعدیل قرارداد در حقوق خارجی مبتنی بر نظریه‌های «انتفای قرارداد» و «انتفای هدف قرارداد» در حقوق انگلیس، نظریه‌های «فورس ماژور» و «حوادث پیش‌بینی نشده» در حقوق فرانسه و نظریه‌های «غیر عملی شدن تجاری اجرای قرارداد» و «دشواری» در حقوق آمریکا و نظریه «الحوادث الطارئة» در حقوق مصر مطرح شده است.

در حقوق فرانسه بین غیر ممکن شدن اجرای تعهد، یعنی فورس ماژور و اوضاع و احوالی که موجب به هم خوردن توازن مالی قرارداد می‌شود، تفاوت وجود دارد. فورس ماژور در حقوق فرانسه به واقعه‌ای غیر قابل پیش‌بینی و غیر قابل کنترل اطلاق می‌شود که اجرای قرارداد را غیر ممکن می‌سازد، اما نظریه حوادث پیش‌بینی نشده وقتی اعمال می‌شود که اجرای قرارداد در اثر بروز حوادث ناخواسته و به هم خوردن تعادل و توازن قرارداد بی‌اندازه دشوار شده و از این طریق هزینه گزافی بر متعهد تحمیل شود. در حقوق انگلیس نیز تمسک به فراست‌ریشن زمانی است که موضوع قرارداد از بین رفته یا با همان وضعیت قابل اجرا نیست حتی در فرضی که موضوع تعذر کم و بیش برای طرفین قابل پیش‌بینی باشد (ص ۳۹).

Pierre Tercier et Pascal pichonnaz , le Droit des obligations, Zurich, schulThess, 2012.

غبن حادث و تعدیل قرارداد

برخی از حقوق‌دانان تلاش کرده‌اند با استفاده از نظریه عام غبن اجرای تعهدات را در صورتی که در زمان اجرا باعث مغبون شدن متعهد باشند، ملغی یا حداقل تعدیل شده بدانند. بر این اساس غبن و اثر حقوقی آن نباید تنها به زمان انعقاد عقد منحصر گردد؛ بلکه همان‌گونه که عدم تعادل فاحشه عوضین در زمان تراضی باعث ایجاد خیار غبن می‌گردد. در زمان اجرای تعهد نیز اگر تعادل عرفی تعهدات دچار اختلال گردد امکان فسخ یا تعدیل قرارداد را به وجود می‌آورد (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۳، ۱۰۳).

پیروان این نظریه معتقدند با توجه به اینکه غبن در همه عقود و قراردادهای راه دارد و مختص بیع نمی‌باشد (صفایی، ۱۳۸۲، ۲، ۲۷۹) و وسیله‌ای برای جبران زیان ناشی از نامتعادل بودن عوضین است، پس هر جا که تعادل مختل گردد به کار می‌آید. اگر معتقد باشیم که خیار غبن مبنای اختلال در تراضی است، پس بر هم خوردن توازن در زمان اجرای تعهد نیز مانع اجرا می‌باشد؛ اما با توجه به مبنای فقهی خیار غبن که ناظر به زمان انعقاد عقد است این مانعیت را توجیه نمی‌کند.

اما اگر مبنای خیار غبن را قاعده لاضرر بدانیم و جلوگیری از صور ناشی از عدم تعادل را هنگام اجرای تعهد ملاک قرار دهیم می‌توان مبنایی جهت عدم اجرای تعهدات پیدا کرد. قاعده لاضرر ملاکی برای اجرای تعهدات در اثر رویدادهای غیر منتظره است که تعادل قراردادی را برهم می‌زند و این قاعده گنجایش این را دارد که هر ضرر ناروایی را دفع کند (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۳، ۱۰۵). به این اشکال که فقه، خیار غبن را منحصر به زمان انعقاد عقد می‌داند و حتی ادعای اجماع شده این‌گونه پاسخ داده شده که تنها بحث اجماع منقول از علامه حلی اتفاق نیفتد؛ بلکه احتمال دارد که باید اتفاق نظر در زمانه علامه ارتباط دادن غبن به تراضی باشد نه قاعده لاضرر و از طرفی صعوبت اجرای تعهد بحثی است که در زمان کنونی مطرح می‌شود و فزونی و کاستی بهای مبیع در فاصله میان عقد و تسلیم در ورود غبن بی‌اثر است، در حالی که در زمان ما با توجه به تحولات اقتصادی و بحران‌ها و تورم‌ها باید نظریه غبن حادث را پذیرفت (شهیدی، ۱۳۸۴، ۵۷).

غبن حادث می‌تواند راهی برای تعدیل قرارداد در حقوق ایران باشد و می‌توان با گسترش آن به تمامی قراردادهای موقت که بر مبنای مسامحه منعقد نشده‌اند، از آن در جهت حفظ و برقراری تعادل قراردادی قراردادهای استفاده کرد. برخی از حقوق‌دانان طرفدار تعدیل قرارداد در حقوق ایران، سعی کرده‌اند امکان تغییر وضعیت اولیه قرارداد به علت حوادث پیش‌بینی نشده را بر پایه نهاد شناخته شده «غبن» توجیه کنند (کاتوزیان، ۱۳۸۱، ۳۹۶).

بر پایه این نظریه، غبن و اثر حقوقی ناشی از آن را نباید در قید و بند زمان محبوس کرد، همان‌گونه که عدم تعادل فاحش دو عوض در زمان تراضی، می‌تواند باعث خیار غبن برای زیان‌دیده باشد، اگر وقوع حوادث پیش‌بینی نشده در زمان اجرای عقد نیز تعادل عرفی تعهدات طرفین را دچار اختلال نمایند، امکان تعدیل به فسخ قرارداد وجود خواهد داشت. حقوق‌دانان نام‌آشنایی که نظریه غبن حادث را در حقوق ایران مطرح کرده‌اند معتقد هستند که خیار غبن از جمله قواعد عمومی قراردادهای و وسیله‌ای برای جبران زیان ناشی از نامتعادل بودن

دو عوض است، پس طبعاً باید هر جا که تعادل عوضین مختل می‌شود به کار آید. نظریه غبن حادث در عقود مستمر مثل قراردادهای پیمانکاری و در عقودی که در آنها خیار به وجود می‌آید مثل عقود معوض و نیز در جایی که یک طرف قرارداد به ناروا به زیان طرف دیگر سود می‌برد برای جبران بی‌عدالتی و نیز در حوادث غیر منتظره و غیرقابل پیش‌بینی خارجی که اجرای قرارداد را دشوار ممکن؛ قابل اعمال است (کاتوزیان، قواعد عمومی قراردادها، ج ۳، ۱۳۷۱، ش ۵۴۱).

تعدیل به صورت شرط ضمن عقد

گاه طرفین قرارداد بر احتمالات گوناگون موثر و تغییر دهنده وضعیت اجرایی عقد و مشکلات ناشی از عدم امکان تغییر و تبدیل مفاد قرارداد به دلیل آگاهی که در بعد انعقاد قرارداد بدان توجه دارند صریحاً و یا ضمناً به وسیله شروطی که معروف به شروط تعدیل کننده قرارداد هستند مقرر می‌دارند، هرگاه رویداد ناگهانی و غیرمنتظره، تعادل قرارداد را بر هم بزند، قلمرو و تعهدات قراردادی را از اساس گوناگون سازد، به روش ایجاد شرط ضمن عقد اقدام می‌نمایند (شفایی، ۱۳۷۶، ۱۵۱). شروط تعدیل کننده در حقوق فرانسه به شروط پولی معروف هستند که به دو گونه مطرح می‌شوند.

۱) هرگاه متعاقدين ترجیح می‌دهند در صورت بروز حوادث و ایجاد نابرابری تعهدات، عقد به طور اتوماتیک با وضعیت اقتصادی خارج خود منطبق شود. ۲) هرگاه طرفین خود را در عقد اصلی مکلف و تعهد می‌سازند که در صورت وقوع شرایط نامتعارف به مذاکره مجدد جهت رسیدن به تفاهم در تعدیل قرارداد بپردازند که این شیوه از حقوق بین‌الملل وارد حقوق داخلی شده و به هاردشپ شهرت دارد و به علت نیازهای تعدیل مورد استقبال قرار گرفته است.

(Flour, Aubert, La Revision du contract, Nice, 2009, 311)

برخی از فقها معتقدند بر مبنای نظریه شرط ضمنی، بنای طرفین در معاملات بر دریافت وزن متعادل می‌باشد و چنین قصدی به طور نوعی وجود دارد. طرفداران پذیرش شرط ضمنی یا حوادث پیش‌بینی نشده معتقدند در قراردادهای طولانی مدت نه تنها متعاقدين بر تعادل عرفی و تعهدات در زمان تشکیل نظر دارند، بلکه همیشه در این قراردادها یک شرط ضمنی نهفته است که بر اساس آن مفاد قرارداد، در صورت ادامه عرفی وضعیت، ادامه خواهد یافت و چنانچه اوضاع و احوال پیش‌بینی نشده، عقد را از اساس دچار مشکل و دگرگونی سازد، دیگر الزام‌آور نیست. به نظر آنان وجود چنین شرطی، همیشه و به طور نوعی در قراردادهای مفروض است. طرفین همیشه قرارداد را با این فرض می‌کنند که اوضاع و احوال قرارداد دچار دگرگونی اساسی نشود مفروض است. طرفین همیشه قرارداد را با این فرض نقل می‌کنند که اوضاع و احوال قرارداد دچار دگرگونی اساسی نشود و تلویحاً پذیرفته‌اند که در صورت به هم خوردن این شرط، مفاد قرارداد نیز یا باید خود را با اوضاع و احوال جدید منطبق سازد و یا فسخ شود (حکمت، تاثیر تغییر اوضاع و احوال، شماره ۳، ۱۳۶۴، ۳۷).

در حقوق ایران برخی از نویسندگان از این نظریه به عنوان مبنای توجیه کننده تعدیل قراردادهای یاد کرده اند، به نظر ایشان در معاملات و قراردادهای مستمر، توجه به استمرار اوضاع و احوال حاکم بر زمان توافق عقد انکارناپذیر است. در نتیجه قصد بر تعدیل و یا فسخ قرارداد در شرایط ناگهانی و پیش‌بینی نشده را باید به عنوان شرط ضمنی یا بنایی پذیرفت. بنابراین بر اساس تئوری شرط ضمنی (حوادث پیش‌بینی نشده) در قراردادهای دراز مدت، قرارداد همراه با این شرط ضمنی است که در صورت وقوع حوادث پیش‌بینی نشده و تغییر اساسی نسبت به زمان انعقاد عقد، دادرس می‌تواند به استناد شرط ضمنی نسبت به فسخ قرارداد یا تعدیل تعهد قراردادی اقدام نماید بر پایه نظریه شرط ضمنی می‌تواند یکی از عوامل و نظریات توجیه کننده تعدیل قضایی قرارداد قرار گیرد (شفایی، ۱۳۷۶، ۷۸).

منابع فقهی تعدیل قرارداد

۱) قاعده لاضرر

یکی از معروف‌ترین قاعده‌های فقهی در طول تاریخ به قاعده لاضرر است که در بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است. نظریات مختلفی پیرامون مفاد و آثار آن ارائه شده است. این قاعده بر خلاف قواعد فقهی دیگر، به طور گسترده در ابعاد غیر عبادی مورد استفاده فقها قرار گرفته است (شهید اول، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۴).

در مواردی که اجرای تعهد ناشی از قرارداد به سبب ضرر می‌گردد، این قاعده علاوه بر نفی حکم ضرر، راه دیگری همچون تعدیل قرارداد را پیش‌بینی می‌کند. اگرچه در مورد مفاد این قاعده اختلاف وجود دارد ولی فقها در کتب خود به طور گسترده در موارد مختلف به قاعده لاضرر تمسک جستجو می‌کنند. با ادله قاعده لاضرر در مورد تعهد متعهده‌ای که از اجرای آن متضرر می‌گردد، حکم مشخصی به دست می‌آید؛ حتی در مواردی که ضرر به گونه‌ای است که نفس تراضی را بر هم می‌زند، زوال تعهد و یا فراتر از آن تعدیل قرارداد و تعهدات ناشی از آن بعید به نظر نمی‌رسد. فقها در توجیه قاعده لاضرر نظریات مختلفی را بیان داشته‌اند که در توجیه تعدیل قرارداد می‌توان به آنها استناد کرد.

زیرا یک اصل مهم در قاعده فوق جبران ضرر است. از این رو، به حکم این که ضرر در شریعت اسلام نفی شده است باید در برابر این زیان تدارک و جبرانی وجود داشته باشد (مراغه‌ای، عناوین، ۱۴۱۸، ۹۹).

و چون اجرای قرارداد ممکن نیست، پس ضرری متوجه متعهد می‌شود که شریعت اسلام به آن حکم نداده است. پس می‌توان برای دفع ضرر به تعدیل قرارداد اقدام نمود. چرا که اگر ضرر وارده موجبات انحلال قرارداد را ممکن نسازد، ضرر موجود است و بهتر است با اندک تعدیل منطقی، قرارداد را اجرا کرد و در این شرایط به جای فسخ با تعدیل آن قرارداد را حفظ کرد و ضرر موجود را دفع نمود. بر همین مبنا می‌توان برای جلوگیری از ضرر متعهدله، این حق را قائل بود که امکان استفاده از این شیوه در دادگاه با درخواست متعهدله امکان پذیر است. به واقع تعدیلی که در آن سخن به میان آمده، جمع بین تعدیل قضایی و قراردادی است که از یک سو متکی به نظر متعهدله برای ارجاع آن به دادگاه و از طرفی دیگر، میزان تعدیلی که باید انجام شود در اختیار قاضی است که با توجه به عرف و قراردادهای مشابه در حال اجرا نظر خود را اعلام دارد؛ چه اگر قرار باشد این اختیار نیز به نظر متعهدله واگذار گردد، دیگر تعدیل قرارداد معنا و مفهوم خود را از دست داده بود و سرنوشت عقد را یکی از طرفین قرارداد پیش می‌برد.

در توجیه قاعده لاضرر، علاوه بر آیات و روایات معروف سمره بن جندب، می‌توان به بنای عقل به‌عنوان یک از دلایل مهم استناد کرد، فلذا قاعده لاضرر بی‌شک قاعده‌ای عقلایی است و حتی اگر هیچ آیه و روایتی در خصوص جبران ضرر نمی‌آمد، به استناد وجه عقلایی بودن آن، این امر مورد تأیید بود (رضایی‌راد، ۱۳۹۲، ۱۹۶).

پس اگر پس از ایجاد تعهد و به واسطه حوادث خارجی اجرای قرارداد ناممکن گردد و این امر مستلزم ورود ضرر باشد، قاعده لاضرر به‌عنوان یک قاعده تعدیل کننده می‌تواند تعادل به هم ریخته را سروسامان بخشد و از فسخ آن جلوگیری کند.

۲- قاعده نفی عسرو حرج

علاوه بر قاعده لاضرر، استناد به قاعده لاجرح در خصوص امکان تعدیل قرارداد نیز مفید می‌باشد. در اصطلاح فقهی، منظور از قاعده لاجرح، تکالیفی است که موجب مشقت و سختی برای مکلف است. علاوه بر آیات و روایات متعددی که در خصوص نفی عسر و حرج مطرح شده مثل «ما جعل علیکم فی دین من حرج»؛ با تمسک به بنای عقلا می‌توان در توجیه نفی امور حرجی دفاع نمود. فلذا هنگامی که اجرای تعهد برای متعهد به دشواری برسد که عادتاً آن قابل تحمل و پیش‌برد نباشد قاعده فوق به‌عنوان یک قاعده تعدیل کننده می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، چون هر چیزی که مردم به آن فرمان داده شده‌اند در حد توانایی آنهاست و اگر چیزی خارج از توان و طاقت آنها باشد، از عهده آنان خارج است (بجنوردی، قواعد الفقهیه، ج ۱، ۲۱۰)، لذا برای رفع حرج، احکام ثانوی جایگزین احکام اولیه می‌شود؛ مثلاً در صورت حدوث شرایط خارجی که امکان اجرای تعهد را غیرممکن می‌کند با اندکی تسامح می‌توان حکم ثانویه تعدیل قرارداد را صحیح دانست؛ زیرا خواستن آنچه که خارج از توان متعهد است امری قبیح شمرده می‌شود که شارع به آن امر نکرده است و لذا در صورتی که به سبب تعذر مالی امکان اجرای قرارداد وجود ندارد، سقوط تکلیف وفای به عهد پیش‌بینی شده است؛ کما اینکه سقوط تکلیف مالایطاق عقلی و مورد پذیرش عرف است و می‌توان تعدیل قراردادی را برای رفع تکلیف مالایطاق مورد استفاده قرار داد (نجفی، ۱۳۹۴، ۱۱۷).

قاعده نفی عسرو حرج از عوامل و ارکان اصلی اندیشه تعدیل قراردادهاست و به‌رغم اصل حاکمیت اراده و تابعیت قرارداد از قصد مشترک و در نتیجه الزام‌آور بودن مفاد عقد، هنگامی که تعادل اقتصادی قراردادی دگرگون می‌شود، به‌گونه‌ای که اجرای کامل عقد با مشقت یکی از طرفین هرگاه به فقر و فلاکت وی می‌انجامد، سبب تغییرات اجباری پذیرش تعدیل قراردادها در پرتو نفی عسرو حرج که منشأ یافته از فرهنگ غنی قرآن است می‌شود تا نیل به عدالت و انصاف و توازن در عقد حاصل گردد (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ۷۱).

نتیجه گیری

با توجه به اصل لزوم قراردادهای و اصل حاکمیت اراده طرفین، می‌بایست در قراردادهای وفای به عهد جاری باشد و نباید به هر بهانه قابل تامل و بدون صرف هزینه گزاف، قراردادهای متزلزل گردد؛ مگر شرایط و اوضاع و احوال خصوصاً در قراردادهای مستمر به علت اینکه طولانی است و همیشه ثابت نیست و دست‌خوش عواملی مثل بحران‌های اقتصادی با ملاحظه رشد روزافزون صنعت و تحول اجتماعی و حوادث پیش‌بینی نشده و تورم و کاهش ارزش پول می‌شود و اجرای قرارداد را دشوار می‌سازد و خسارات ناروایی را تحمیل می‌کند. تعدیل قرارداد، استثنایی بر اصل لزوم و لازم‌الاجرا بودن قراردادهای و اصل حاکمیت اراده طرفین است. مبنای تعدیل ریشه قراردادی دارد و به اراده ضمنی دو طرف قرارداد منسوب است؛ در عقود و معاملات معوض، این شرط ضمنی وجود دارد که اعتبار معامله مقید به حفظ موازنه اقتصادی عقد است و در صورت برهم خوردن این موازنه، قدرت الزام‌آور عقد نیز از بین می‌رود.

در واقع «لزوم و بقای اوضاع و احوال» قید فرعی تراضی یا لازمه عرضی عقد است که حتی در صورت سکوت طرفین (به شرط عدم مغایرت با شروط صحیح یا ضمنی عقد) محترم و لازم الوفا شمرده می‌شود در نتیجه حکمی که بر مبنای آن قرارداد تعدیل می‌شود، حکم اولی و طبیعی هر قرارداد و منطبق با خواست مشترک طرفین است و با قواعد حقوقی موجود و منابع فقهی مخالفتی ندارد. با تمسک به قیاس اولویت همچنان که اجرای قراردادی که میسر نیست امکان فسخ آن مهیاست پس به طریق اولی باید امکان تعدیل قرارداد هم امکان پذیر باشد تا زیان‌دیده بتواند از تعدیل قرارداد بهره‌مند شود و از دادگاه تعدیل قراردادی را برابر مفاد اصل ۱۶۷ قانون اساسی و قواعد فقهی لاضرر و نفی عسرو حرج و نظریه شرط ضمنی و غبن حادث بخواهد و در وجدان همیشه بیدار بشری، اقلع عقلایی بر اریکه عدالت و انصاف جاودانی فرمانروایی کند.

منابع و مراجع

- [۱] شفای، محمدرضا، نظریه تطبیقی اوضاع و احوال در قراردادها، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۷۶.
- [۲] خوئی، ابوالقاسم، مبانی تکملة المنهاج، انتشارات موسسه امام خویی، جلد ۴۲، قم، ۱۴۲۲
- [۳] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۳، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۱
- [۴] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۲، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۶
- [۵] کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، انتشارات گنج دانش، تهران، ۱۳۹۶
- [۶] شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، جلد ۳، انتشارات مجد تهران، ۱۳۸۲
- [۷] شهیدی، مهدی، آثار قراردادها و تعهدات، جلد ۲، انتشارات مجد تهران، ۱۳۹۳
- [۸] صفای، سید حسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، جلد ۲، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۲
- [۹] نراقی، محمد حسن، عواید الایام، چاپ سنگی، بی تا، ۱۳۷۵
- [۱۰] انصاری، شیخ مرتضی، مکاسب، یک جلدی، چاپ سنگی، تبریز، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۷۵
- [۱۱] بجنوردی، سید میرزا حسن، قواعد الفقهیه، تهران، منشورات الصدر، الطبعه الثانیه، انتشارات میعاد، ۱۳۲۴
- [۱۲] بنایی اسکویی، مجید، مطالعه تطبیقی بطلان، مجله علمی-پژوهشی حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، ش ۲۸، ۱۳۸۹
- [۱۳] بنایی اسکویی، مجید، انحلال قهری و اختیاری قرارداد متعذر شده، نشریه فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی، دانشگاه پیام نور، شماره ۲، ۱۳۹۱
- [۱۴] شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، انتشارات مجد، ۱۳۸۸
- [۱۵] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد ۲، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۱
- [۱۶] سنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی، جلد ۳، قاهره، مکتبه النهضة المصریه، ۱۹۵۸.
- [۱۷] محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه، بخش مدنی، جلد دوم، انتشارات سمت، ۱۳۷۴
- [۱۸] مراغه‌ای، میرفتاح، عناوین، چاپ سنگی، موسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۸
- [۱۹] نجفی، شیخ محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد ۲۲، چاپ ششم، دارالکتب اسلامی، ۱۳۹۴
- [۲۰] ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۸ م
- [۲۱] معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸
- [۲۲] بیگدلی، سعید، تعدیل قرارداد، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶
- [۲۳] الحر عاملی، زین الدین بنا نورالدین (شهید ثانی)، شرح لمعه، جلد ۳، انتشارات داورى، قم، ۱۴۱۰
- [۲۴] رضایی‌راد، عبدالحسین، قواعد فقه مدنی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۲
- [۲۵] الفیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، من منشورات دارالهجره، ایران، قم، ۱۴۲۵ هـ.ق
- [۲۶] عدل، مصطفی، حقوق مدنی، انتشارات خرسندی، تهران، ۱۳۹۴
- [۲۷] کاتوزیان، ناصر، اعمال حقوقی، چاپ هشتم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱
- [۲۸] حکمت، محمدعلی، مقاله تغییر اوضاع و احوال، مجله حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، شماره ۳، ۱۳۶۴
- [29] Flour, Aubert, La Revision di contract, Nice, 2009.
- [30] Pierre Tercier et Pascal Oichonnoz, la Droit Des Obligations, Zurich, Schul Thess, 2012
- [31] Malaurie, Philippe, Droit Des Oblligations, Parris, October 2016.
- [32] Faber (R), Il n’y a lien a ausuns dommager et interest lorsque, Limoges, 1985.